

نگاهی به چند ترجمه از «لَوْ...» در قرآن مجید

سعید شفیعی

کاربرد «لَوْ» در زبان عربی، به ویژه در قرآن کریم فراوان است. پیش از بحث راجع به ترجمه‌های قرآنی از این حرف، لازم دیده شد به صورت اجمالی نقش اعرابی آن مورد بررسی قرار گیرد. طبعاً نقش‌های گوناگون هر کلمه، در اسلوب‌های مختلف آن و معانی به کار رفته، تأثیر بسزایی دارد. در بحث یکسان سازی در ترجمه هم فهم درست اعراب، عامل مؤثر در بکارگیری اسلوب و ترجمه صحیح خواهد بود.

اقسام «لَوْ» از نظر ترکیب نحوی

«لَوْ» بر چند نوع است: ۱- شرطیه ۲- تمنیه ۳- مصدریه ۴- عرضیه ۵- تقلیلیه

۱- «لَوْ» شرطیه: بر دو نوع است: امتناعیه و غیرامتناعیه

الف) شرطیه امتناعیه: در این نوع، شرط در زمان گذشته محقق نشده و وقوع آن در گذشته ممتنع است. در این حالت «لَوْ» مقتضی تعلیق امری بر امر دیگر است.

از این رو بدنبال «لو» دو جمله می آید. این دو جمله نوعی ارتباط و اتصال معنوی با یکدیگر دارند. معمولاً جمله اول را شرط (سبب)، و جمله دوم را جزا یا جواب (مسبب) می نامند. مانند: «لو تعلم الجاهل، لنهضت بلاده» (لکنه لم يتعلم)

شرطیه امتناعیه بر دو نوع است: ۱- شرط، یگانه علت برای جزاست، مانند «لو طلعت الشمس أمس، لظهر النهار». در این حالت با امتناع شرط، جواب هم منتفی است؛ چرا که تنها سبب بوجود آمدن روز، طلوع خورشید است و با امتناع طلوع خورشید، پدید آمدن روز هم، وجوباً ممتنع است.

۲- شرط، یگانه علت برای جزا نیست. مثلاً در جمله: «لو طلعت الشمس أمس لكان التور موجوداً» در اینجا طلوع خورشید ممتنع است؛ اما جواب وجوباً منتفی نیست؛ چون نور می تواند علل دیگری (چراغ، برق و...) هم داشته باشد.

در شرطیه امتناعیه، غالباً فعل شرط و جواب، ماضی (در لفظ و معنی یا فقط در معنی) است. بنا بر این اگر پس از آن فعل مضارع بیاید، معنی آن با حفظ لفظ به ماضی برگردانده می شود. مانند: «لو يجيء ضيف لأكرمه».

ب) شرطیه غیر امتناعیه: «لو» به این معنا بیشتر بر سر فعل مضارع می آید و امری را در زمان آینده معلق به امر دیگر می کند. بعضی این نوع «لو» را مانند «إن» شرطیه می دانند، که غالباً موجب تعلیق جواب بر شرط می شود. در این صورت فعل شرط و جواب هر دو باید (لفظاً و معنأ) در معنی آینده باشند مانند: «لا يلفك الراجوك إلا مظهراً خلق الكرام ولو تكون عديماً».

فعل اگر در لفظ هم ماضی بود، باید معنی آن را تاویل به آینده برد، مانند: «وق ليخش الذين لو تركوا من خلفهم ذريته ضعافاً خاقوا عليهم» (نساء/ ۹) یعنی: لو بترکون؛ چون اگر فعل در زمان گذشته باقی بماند معنی درستی ندارد، زیرا ترسیدن پس از مرگ مفهومی ندارد.

لو شرطیه اختصاص به فعل دارد، ولی گاهی پس از آن اسم می آید. در این صورت عاملش فعلی است که وجوباً محذوف است و فعل بعد از آن تفسیرش می کند. این اسم یا مرفوع است مانند: «لو غير ذات سوارٍ لطمنتي» یا منصوب مانند: «لو محمداً

رَأَيْتَهُ أَكْرَمَتَهُ» و یا خبر است برای کان محذوف مانند: «التَّمِيسُ وَلَوْ خَاتِمًا مِنْ حَدِيدٍ» برخی اوقات هم بعد از آن می آید مانند: «وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا». در مورد ترکیب اخیر دو نظر وجود دارد: ۱- اَنَّ و اسم و خبر آن، فاعل برای فعل محذوف مثلاً «تَبَّتْ» در مثال فوق است: «وَلَوْ تَبَّتْ صَبْرُهُمْ».

۲- اَنَّ و اسم و خبر آن، مبتدایی است بدون خبر یا خبرش محذوف است: «وَلَوْ صَبْرَهُمْ ثَابِتٌ».

اگر جواب «لو» شرطیه فعل ماضی باشد، جایز است که با «لَ» همراه باشد، چه ماضی مثبت باشد چه منفی. ولی در قرآن کریم «لَ» بیشتر برای ماضی مثبت به کار رفته است، مانند: «لَوْ نَشَاءُ لَجْعَلْنَاهُ حُطَامًا» (واقعه/۶۵)

برخی نحوین در مورد آوردن «لَ» گفته اند: این «لَ»، «لَا مِ التَّسْوِيفِ» نام دارد و به معنی تأخیر و تمهل است. بنابراین اگر در کلام به کار رفت، نشان از تأخیر جواب از شرط در زمانی طولانی است و نیاوردن آن حاکی از تحقق جواب در مدت زمانی کوتاه پس از شرط است.

۲- لَوْتَمْنِيَه: به جوابی مثل جواب شرط نیاز ندارد؛ ولی گاه جوابی منصوب مثل جواب «لِيت» برای آن می آید، مانند: «لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (شعراء/۱۰۲)

۳- مصدریه: مترادف «أَنَّ» است و اکثراً پس از «وَدَّ» می آید، مثل: «وَدَّوَالْوُتْدُهُنَّ» (قلم/۹) یا بعد از «يَوَدُّ» می آید، مانند: «يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ» (بقره/۹۶) که تاویل آن «الإدْهَانُ» و «التعمير» است. اگر به دنبال آن فعل ماضی بیاید، بر معنی خود باقی می ماند؛ ولی اگر مضارع بیاید، مختص زمان آینده می شود، مانند، «أَنَّ» مصدریه.

۴- عرضیه: جوابی ندارد و «فاء» بعد از آن، (که فراوان پس از آن می آید) فاء سببیه است؛ زیرا عرض از طلب است مانند: «لَوْ تَحَدَّثْنَا قَلِيلًا» و «لَوْ تَنْزَلُ عِنْدَنَا قَتِيبٌ».

۵- تقلیلیه (وصلیه): در این نوع هم به جواب نیاز نیست، مانند:

«تصدَّقوا ولو بشقِّ تمرَّة» که تقدیر آن «ولو كان تصدَّقكم بشقِّ تمرَّة» است.

بررسی چند ترجمه از ساختار «لو» در قرآن کریم

در قرآن کریم ساختار «لو...» ۲۰۱ بار به کار رفته است. با توجه به ساختارهای دستوری متفاوت و همچنین سبک ترجمه‌های مورد بررسی، هفت نوع ساختار برای آن وجود دارد که در ذیل به آنها اشاره می‌شود.

پیش از بیان این موارد لازم است بر اهمیت «یکسان سازی در ترجمه» تاکید کنیم، چراکه در صورت توجه به آن، معنای یکدست و هماهنگی از آیات ارائه می‌شود؛ ولی در عین حال باید به معنا و مقصود هر آیه هم به صورت جداگانه عنایت داشت تا مبدا معنای مورد نظر آیه در زیر بحث یکسان سازی پنهان گردد.

اکنون به بررسی این ساختارها می‌پردازیم، با عنایت به این نکته که در تقسیم بندی ساختارها در بخش ترجمه بیشتر بر ترجمه «استاد مهدی فولادوند» تکیه کرده‌ایم.

۱- ساختار «لو... ل»

از لحاظ دستوری این نوع «لو» را شرطیه در نظر می‌گیرند که جوابش فعل ماضی مثبت همراه با «ل» است.

با بررسی قرآن کریم آشکار شد که در تمام موارد فعل جواب شرط ماضی است که مؤکد به حرف تاکید «ل» می‌باشد. این ساختار ۸۲ مرتبه در قرآن تکرار شده است.

فولادوند: در این ترجمه از بین ۸۲ مورد ساختار «لو... ل»، در ترجمه ۷۰ آیه از واژه تاکید استفاده شده است که به شرح ذیل است:

۵۷ بار: قطعاً، ۵ بار: حتماً، ۳ بار: مسلماً، ۲ بار: هرآینه، ۱ بار: بی گمان - البته - یقیناً، و در ۱۱ مورد از هیچ تأکیدی استفاده نشده است.

اما به طور خلاصه از نظر یکسان سازی و دفعات به کارگیری تأکید، این ترجمه بهترین ترجمه در بین ترجمه‌های بررسی شده است؛ مثال: «ولو علم الله فیهم خیراً لاسمعهم ولو اسمعهم لتوّلوا وهم معرضون» (انفال/۲۳)

ترجمه: «و اگر خدا در آنان خیری می یافت قطعاً شنوایشان می ساخت و اگر آنان را شنوا می کرد حتماً باز به حال اعراض، روی بر می تافتند.»

خرمشاهی: در این ترجمه از بین ۸۲ مورد فقط در ۱۲ مورد از کلماتی که دلالت بر تأکید دارند در ترجمه بهره گرفته شده است، به شرح ذیل: ۱۰ مورد: بی شک (امورد: باز بی شبهه ۱ مورد: قطعاً و ۶۹ مورد بدون حرف تأکید ترجمه شده است. مثال: «لو اراد الله أن یتخذ ولداً لأصطفی مما یخلق ما یشاء» (زمر/۴)

ترجمه: «اگر خداوند می خواست که فرزندی (برای خود) برگزیند، آنچه می خواست از میان آنچه آفریده است، برمی گزید.»

تفسیر طبری: از بین موارد بررسی شده در ۳ مورد واژه تأکید «حقاً»، «همیدون» و «هرآینه» بکار رفته بود.

مثال: «و سیحلفون بالله لو استطعنا لخرجنا معکم» (توبه/۲۴)

ترجمه: «زودا که سوگند خوردن گیرند به خدایی که اگر توانستیم و برگ و ساز داشتیم حقاً که بیرون آمدیم با شما»

کشف الاسرار: از میان موارد بررسی شده، تنها در آیه ۶۴ سوره ی نساء واژه تأکید «بر حقیقت» به کار رفته است.

مثال: «ولو أنّهم اذ ظلموا انفسهم جاؤوک فاستغفروا الله و استغفر لهم الرسول لوجدوا الله تواباً رحیماً».

ترجمه: «و اگر ایشان که بر تن خود ستم کنندید آیندید به تو و آمرزش خواهندید از خدا و آمرزش خواهید ایشان را رسول او یافتندید خدای را بر حقیقت توبه پذیری مهربان»

مقایسه ترجمه آیه: «و لو کنت فظاً غلیظ القلب لانفضوا من حولک» (آل عمران/۱۵۹)

فولادوند: «و اگر تند خو و سنگ دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می شدند.»
خرمشاهی: «و اگر درشت خوی سخت دل بودی بی شک از پیرامون تو پراکنده می شدند.»

طبری: «اگر بودی درشت سطر دل، پراکندندی از گرداگرد تو.»
کشف الاسرار: «اگر تو درشت بودی سطر دل بی رحمت باز پراکندندی از گرد
برگرد تو و حلقه صحبت تو شکسته گشتی.»

۲- ساختار «لو...»

این ساختار که از لحاظ دستوری تمنی یا شرطیه به شمار می رود، ۳۰ مرتبه در قرآن کریم به کار رفته است. جواب «لو» ممکن است مذکور یا محذوف باشد یا قبل از آن «ل» آمده باشد.

در یک مورد جواب «لو» در این ترکیب همراه فاء آمده است: «لو أن لنا كرة فنتبرأ منهنم كما تبرءوا منا» (بقره / ۱۶۷)

فولادوند: «کاش برای ما بازگشتی بود تا همان گونه که (آنان) از ما بیزاری جستند، (مانیز) از آنان بیزاری می جستیم»
خرمشاهی: «کاش برای ما بازگشتی بود، تا همانگونه که آنان اکنون از ما تبری جستند، ما نیز از آنان تبری جوییم.»

البته در مورد این «لو» گفته شده که برای تمنی است و متضمن معنای شرط است و «فاء» سببیه است و به همین دلیل فعل «نتبرأ» منصوب شده است.
در ترجمه تفسیر طبری و کشف الاسرار هم به همین شکل معنا شده است.

طبری: «لو کانوا يعملون»؛ ترجمه: «اگر بودند دانند.»
کشف الاسرار: «و ماذا علیهم لو امنوا بالله والیوم الآخر...» (نساء / ۳۹)؛ ترجمه:
«و چه زیان دارد ایشان را اگر ایمان آرند به خدا و روز رستاخیز»

۳- ساختار «لو... ما...»

در این ساختار جواب «لَوْ» با فعل ماضی منفی می‌آید و حدود ۲۲ بار در قرآن کریم آمده است. از نظر دستوری «لو» حرف شرط به حساب می‌آید. این ساختار در ترجمه‌ها به صورت یکسان (اگر + فعل منفی) برگردانده شده است.

مثال: «سَيَقُولُونَ لَوْ كَان لَنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ مَا قَتَلْنَا هَهُنَا» (آل عمران/ ۱۵۴)
فولادوند: «گفتند: اگر ما را در این کار اختیاری بود، (و وعده پیامبر واقعیت داشت) در اینجا کشته نمی‌شدیم.»

خرمشاهی: «می‌گفتند اگر ما را در این کار اختیاری بود، در اینجا کشته نمی‌شدیم.»

۴- ساختار «أَوْ لَوْ...»

این ساختار ۷ بار در قرآن کریم تکرار شده و از نظر یکسان سازی در ترجمه، این امر به خوبی در ترجمه‌ها رعایت شده است.

استاد فولادوند در پنج مورد این ساختار را به «آیا هر چند»، یک مورد «هر چند» و یک مورد «گر چه» ترجمه کرده است.

مثال: «أَوْ لَوْ كَان الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ»

فولادوند: «آیا هر چند شیطان آنان را به سوی عذاب سوزان فرامی‌خواند.»

خرمشاهی: «حتی اگر شیطان ایشان را به سوی عذاب آتش دوزخ بخواند.»

طبری: «یا اگر هست شیطان که می‌خواند ایشانرا سوی عذاب دوزخ.»

۵- ساختار «وَدَّ (يَوَدُّ)... لَوْ...»

این ساختار که از نظر دستوری «لو» و اسم و خبرش تأویل به مصدر رفته و مفعول فعل «وَدَّ - يَوَدُّ» به حساب می‌آید، (مانند آن مصدریه) ۱۲ بار در قرآن به کار رفته است.

فولادوند: این ساختار را به دو صورت ترجمه کرده است:

۱- «آرزو می‌کنند کاش...»، مانند: «رُبَّمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا

مسلمین» (حجر/۲) ترجمه: «چه بسا کسانی که کافر شدند آرزو کنند که کاش مسلمان بودند.»

۲- «دوست دارند»، مانند: «وَدُّوا لَوْ تَدَهَّنُ فَيَدُهْنُونَ» ترجمه: «دوست دارند که نرمی کنی تا نرمی نمایند.»

خرمشاهی: این ساختار را به دو گونه برگردانده است: ۱- «خوش دارند که...»؛ ۲- «آرزو کنند که...».

مثال: «وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً» (نساء/۸۹) ترجمه: «(آنان) خوش دارند که شما نیز مانند ایشان کفر بورزید و در نتیجه همانند آنان باشید.»

۶- ساختار «و لَوْ...»

این ساختار ۳۱ بار در قرآن کریم آمده است. «لَوْ» در این ترکیب بر سر جمله فعلیه یا اسمیه می آید. جواب «لَوْ» همواره محذوف بوده یا قبل از آن ذکر شده است (دلیل جواب).

نکته: ممکن است از نظر دستوری این ساختار در ساختار «لَوْ...» که قبلاً ذکر شد هم دیده شود. ولی مهم آن است که «و او» که بر سر این ساختار می آید، «و او حالیه» است و از نظر معنی جمله حالیه به شمار می رود. از این رو نباید آن را با موارد مشابه که ممکن است «و او عاطفه» باشد، اشتباه گرفت.

فولادوند: در این ترجمه یکسان سازی خوبی وجود دارد، بجز یک مورد (صف - ۸) که «ولو» به «گر چه» ترجمه شده است.

مثال: «وَأَنْ تَدْعَ مَثَلَةً إِلَى حَمَلِهَا لَا يَحْمِلُ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَى» (فاطر/۱۸)

ترجمه: «و اگر گرانباری (دیگری را به یاری) به سوی بارش فراخواند چیزی از آن برداشته نمی شود، هر چند که خویشاوند باشد.»

خرمشاهی: در این ترجمه «ولو» به این معانی ترجمه شده است: «اگر چه، وگرچه، گر هم، با آنکه، حتی اگر، هر چند که، هر قدر هم که، اگر»

مثال: «ان الذين تدعون من دون الله لن يخلقوا ذباباً ولو اجتمعوا له» (حج/ ۷۳)
ترجمه: «کسانی که به جای خداوند می پرستید، اگر هم دست یکی کنند، هرگز مگسی را هم نتوانند آفرید.»

تفسیر طبری: در این ترجمه هم (در موارد بررسی شده) یکسانی وجود دارد و به «اگر» و «اگر چه» ترجمه شده اند.

مثال: «أفأنت تسمع الصم ولو كانوا لا يعقلون» (یونس/ ۴۲) ترجمه: «آیا تو کران شنوا کردندی و اگر بودند نه خرد داشتند.»

کشف الاسرار: مثال «یا ایها الذین امنوا کونوا قوامین بالقسط شهداء لله ولو علی انفسهم أو الوالدین والأقربین» (نساء/ ۱۳۵)

ترجمه: «ای ایشان که بگرویدند بپای ایستید براستکاری و داد دهی و گواهان بودن خدای را براستی و ر همه بر نفس شما بود یا بر پدر و مادر یا خویشان.»

۷- ساختار «لوتری - اذ»

این اسلوب هفت مرتبه در قرآن کریم آمده است. فعل جواب در پنج مورد اول ماضی و در دو مورد بعد مضارع است.

فولادوند: در این ترجمه «لو» به دو گونه ۱- کاش (۵ مورد)، ۲- اگر (۲ بار) ترجمه شده است.

مثال: «ولوتری اذ وقفوا علی النار...» (انعام/ ۲۷) ترجمه: «و ای کاش (منکران را) هنگامی که بر آتش عرضه می شوند می دیدی...»

مثال: «ولوتری اذ وقفوا علی ربهم...» (انعام/ ۳۰) ترجمه: «و اگر بنگری هنگامی را که در برابر پروردگارشان بازداشته می شوند...»

خرمشاهی: در ترجمه ایشان فعل «تری» همواره به صورت مضارع معنی شده است و «لَوْ» به دو گونه «اگر» و «چون» معنی شده است.

مثال: «لوتری اذ الظالمون موقوفون عند ربهم...» (سبأ/ ۳۱) ترجمه: «و چون ستمکاران را بنگری که نزد پروردگارشان بازداشته شوند.»

نتیجه گیری و بررسی چند مورد مشکوک در ترجمه ها

اگر منصفانه بنگریم در مواردی که بررسی شد، ترجمه استاد مهدی فولادوند از نظر یکسان سازی، ترجمه بسیار خوب و هماهنگی بنظر می رسد. در انتها به ذکر چند نمونه که از نظر معنا بهتر بود طور دیگری ترجمه می شد اشاره می شود:

مثال: «لو يعلم الذین کفروا حین لا یکفون عن وجوههم النار ولا عن ظهورهم و لا هم ینصرون» (انبیاء/ ۳۹)

ترجمه: «کاش آنان که کافر شده اند می دانستند آنگاه که آتش را نه از چهره های خود و نه از پشتشان باز نمی توانند داشت.»

در این آیه «لَوْ» به کاش ترجمه شده است. با مراجعه به تفسیر و اعراب قرآن و چند ترجمه، مشخص شد که در هیچ کجا اشاره به اینکه در این آیه مفهوم «تمنی» باشد نیست و در ترجمه و تفاسیر «اگر» معنی شده بود.

مثال: «قل ان لبئتم الا قليلاً لو انکم کنتم تعلمون» (مؤمنون/ ۱۱۴)

ترجمه: «جز اندکی درنگ نکردید، کاش شما می دانستید.»

این آیه هم مشابه آیه پیشین ترجمه شده و همان وضعیت را دارد. خرمشاهی این آیه را اینطور ترجمه کرده است: «گوید اگر می دانستید جز اندکی به سر نبرده اید.»

منابع

۱- قرآن کریم. ترجمه: استاد مهدی فولادوند. چاپ دوم. دار القرآن الکریم.
۲- قرآن کریم. ترجمه از: بهاء الدین خرمشاهی. چاپ دوم. انتشارات نیلوفر، ۱۳۷۶.

۳- ترجمه تفسیر طبری. طهران: چاپخانه دولتی ایران، ۱۳۳۹.

۴- کشف الاسرار و عدة الابراز: معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری.

طهران: ۱۳۳۸ ق.